

حکمت متعالیه

از دانشگاه امام خمینی (س)

حوریه عظیمی

(عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی شبستر)

سرشناسه : عظیمی، حوریه، ۱۳۵۵ -
 عنوان و نام پدیدآور : حکمت متعالیه از دیدگاه امام خمینی (س) / حوریه عظیمی.
 مشخصات نشر : تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۹۲.
 مشخصات ظاهری : ۳۰۷ ص.
 شابک : 978 - 964 - 212 - 316 - 2
 وضعیت فهرست نویسی : فیا
 یادداشت : کتابنامه: ص. ۳۰۱ - ۳۰۷؛ همچنین به صورت زیرنویس.
 موضوع : خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۲۷۹ - ۱۳۶۸ -
 نظریه درباره حکمت متعالیه / حکمت متعالیه.
 رشته افزوده : مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، دفتر قم، مؤسسه چاپ و نشر عروج.
 رده بندی کنگ : ۸ ح ۷۶ ح / ۵ / ۱۵۷۴ DSR
 رده بندی دیسی : ۹۵ / ۰۸۴۲
 شماره کتابشناسی : ۳۱۷۲۱۹
 کد / م ۲۸۵۴



مؤسسه چاپ و نشر عروج

حکمت متعالیه از دیدگاه امام خمینی (س)

نویسنده: حوریه عظیمی

ناشر: چاپ و نشر عروج (وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س))

چاپ اول: ۱۳۹۲

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۲۵۰۰ تومان

• خیابان انقلاب، بین ۱۲ فروردین و فخررازی، فروشگاه مرکزی، تلفن: ۶۶۴۰۴۸۷۳ - دورنگ: ۶۶۴۰۰۹۱۰

• خیابان انقلاب، تقاطع حافظ، فروشگاه شماره ۱، تلفن: ۶۶۷۰۱۲۹۷

• مراکز پخش: خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان شهدای ژاندارمری، فروشگاه شماره ۲، تلفن: ۶۶۹۵۵۷۳۷

• حرم مطهر حضرت امام خمینی (س)، ضلع شمالی، فروشگاه شماره ۳، تلفن: ۵۵۲۰۳۸۰۱

• کلیه نمایندگیهای فروش در استانها

نشانی الکترونیکی: pub@imam-khomeini.ir

فهرست مطالب

.....	مقدمه	أ
.....	مقدمه	ج
.....	[مقدمه استاد محترم استاد الاسلام والمسلمين دکتر احمد عابدي]	هـ
.....	فلسفه عالي من فلسفه	هـ

بخش اول

.....	فصل اول: کلیات مباحث وجود	۳
.....	مقدمه	۳
.....	تعریف وجود	۴
.....	اشتراک معنوی وجود	۷
.....	وحدت وجود	۱۲
.....	وحدت مساوق وجود است	۱۹
.....	اصالت وجود	۲۰
.....	جعل وجود	۲۶
.....	وجود مساوق شئیت است	۳۱
.....	وجود رابط	۳۷
.....	احکام وجود	۴۱
.....	فصل دوم: مواد ثلاث	۴۳
.....	الشیء ما لم یجب لم یوجد	۴۵

۴۸	معانی امکان
۵۵	فصل سوم: مقولات عشر
۵۵	تقسیم ماهیت به جوهر و عرض
۵۶	تعریف جوهر
۵۷	تعریف عرض
۵۹	تعداد مقولات
۵۹	اقسام جوهر
۶۵	اقسام عرض
۶۷	فصل چهارم: علیت
۶۸	اثبات علیت
۷۰	علت تامه و ناقصه
۷۲	وجوب وجود معلول در ظرف وجود علت تامه
۷۴	وجوب وجود علت در ظرف وجود معلول
۷۵	علت تامه محدثه است یا مبقیه؟
۸۰	تضایف علت و معلول
۸۵	قاعده الواحد
۸۹	فصل پنجم: سبق و لحوق و حدوث و قدم
۸۹	سبق و لحوق
۹۰	اقسام سبق
۹۷	حادث و قدیم
۹۸	اقسام حدوث و قدم
۹۸	۱ - حدوث و قدم حقیقی و اضافی
۹۹	۲ - حدوث و قدم ذاتی و زمانی

۱۰۰.....	۳ - حدوث دهری
۱۰۳.....	۴ - حدوث اسمی
۱۰۷.....	فصل ششم: حرکت و زمان
۱۰۸.....	تعریف حرکت
۱۱۰.....	وجود الثابت است یا متغیر
۱۱۲.....	مقولاتی که حرکت در آنها واقع می شود
۱۱۵.....	دلایل حرکت جوهری
۱۲۲.....	زمان
۱۲۵.....	فصل هفتم: عقل و عاقل و معقول
۱۲۶.....	علم و اقسام آن
۱۲۶.....	تعریف علم
۱۳۰.....	اقسام علم
۱۳۲.....	اقسام علم حضوری
۱۳۳.....	اتحاد عقل و عاقل و معقول
۱۳۴.....	برهان بر اتحاد عقل و عاقل و معقول
۱۳۶.....	حواس ظاهری نردبان معانی عقلی
۱۳۷.....	چگونگی حصول مفهوم جوهر در ذهن

بخش دوم

۱۴۱.....	فصل اول: اثبات واجب الوجود
۱۴۱.....	مقدمه
۱۴۲.....	راه های اثبات واجب الوجود
۱۴۲.....	۱ - راه دل و راه فطرت

۱۴۸.....	۲ - راه عقل و فلسفه.....
۱۶۲.....	براهین قرآنی.....
۱۶۴.....	آیا معرفت حق تعالی در حیطه شناخت ما هست؟.....
۱۷۱.....	فصل دوم: واجب بالذات ماهیت ندارد
۱۷۲.....	در اصطلاح اول ماهیت.....
۱۷۳.....	در اصطلاح دوم ماهیت و پذیرش «الحق ماهیته اینته».....
۱۷۵.....	فصل سوم: واجب الوجود بسیط الحقیقه است
۱۸۳.....	فصل چهارم: توحید واجب تعالی
۱۸۳.....	برهان فطری توحید.....
۱۸۴.....	توحید در کلام الهی.....
۱۸۹.....	توحید در کلام معصوم.....
۱۹۳.....	براهین عقلی بر توحید.....
۱۹۴.....	شبهه ابن کمونه.....
۱۹۶.....	مراتب توحید.....
۱۹۷.....	۱ - توحید ذات.....
۱۹۹.....	۲ - توحید در صفات.....
۲۰۰.....	۳ - توحید افعالی.....
۲۰۵.....	فصل پنجم: صفات حق تعالی
۲۰۶.....	صفات ثبوتی و سلبی.....
۲۱۱.....	صفات ذات و صفات فعل.....
۲۱۳.....	صفات ذاتی و عینیت آن با ذات واجب تعالی.....
۲۱۹.....	علم حق تعالی.....
۲۲۰.....	براهین علم الهی.....

۲۳۰	کلام الهی
۲۳۱	کلام ذاتی حق
۲۳۵	قدرت واجب تعالی
۲۳۹	سمیع و بصیر
۲۴۲	اراده حق تعالی
۲۴۸	واجب تبارکی مبدأ هر ممکنی است
۲۵۲	رحمت
۲۵۷	فصل ششم: پیر و غیر
۲۵۸	معنای خیر و شر
۲۶۲	شروع اختصاص به ماده روح
۲۶۴	نظام اتم
۲۶۷	فصل هفتم: صادر اول
۲۷۲	ویژگی های صادر اول و رابطه آن با ذات مقدس حق تعالی
۲۷۴	کیفیت رابطه صادر اول با حق تبارک و تعالی
۲۷۵	بررسی موجودات و تعیین صادر اول
۲۷۷	قاعده امکان اشرف
۲۷۹	فصل هشتم: معاد
۲۸۱	اثبات ضرورت معاد
۲۸۱	۱ - دلایل فطری
۲۸۳	۲ - دلایل عقلی
۲۹۱	حدوث نفس و رابطه آن با بدن
۲۹۴	معاد جسمانی و روحانی
۳۰۱	کتاب نامه

مقدمه

فلسفه و حکمت در طول تاریخ اندیشه و زیست انسان به عنوان یکی از رشته‌های فاخر و اصلی علمی در میان انسان‌ها مطرح بوده و می‌باشد. در میان عالمان مسلمان، طبقه حکیمان و فیلسوفان برجسته و احترام خاصی برخوردار می‌باشند و بر تلاش و جدّ و جهد علمی آنها با دیده احترام و تکریم نگریسته می‌شود.

شکل‌گیری سه رویکرد و مکتب متمایز علمی در میان فلاسفه مسلمان؛ یعنی حکمت مشاء، حکمت اشراق و حکمت متعالیه خود نشان و علامت میراثی بس گرانبها و راهگشای فلسفی برای امروز و فردای زندگی بشر است. پس از شکل‌گیری و توسعه و تعمیق حکمت صدرائی و فلسفه صدرالمتألهین حدود صد سالی است که حکیمان و فیلسوفان بزرگ و وارسته‌ای به تدریس، تحقیق و تألیف در موضوع حکمت متعالیه همت گماشته‌اند و در این بین مدرسان و مؤلفان برجسته‌ای در سبب فلسفه و حکمت به شرح و تحریر یا تحکیم و یا تأسیس قواعد و نکاتی پرداخته‌اند که کاروان بزرگ حکمت و دانایی را به پیش برده‌اند.

امام خمینی (س) که در عصر خود حکیمی بزرگ و مدرس و محقق نامی عرصه فلسفه و عرفان بوده؛ به مبانی و نظرات حکیم مؤسس و فیلسوف بزرگ صدرالمتألهین شیرازی (طاب ثراه) توجه زیادی داشت، چنان‌که شخصیت علمی - معنوی ملاصدرا را بزرگ می‌دید و ارج می‌نهاد.

ب □ حکمت متعالیه از دیدگاه امام خمینی (س)

در عرصه پژوهش، «پژوهش‌های تطبیقی» در واقع مناظره یا مباحثه برقرار کردن میان اندیشمندان و صاحب نظران است و محصول آن دانشی است که محصول خرد جمعی و به گونه‌ای فاصله گرفتن از تک‌گویی و حرکت به سمت «گفتگو» و شناخت تحمل دیگران و ایجاد ظرفیت شنیدن نظرات آنان و بعضاً تبدیل و تکمیل دیدگاهها است. نگریستن «حکمت متعالیه» از منظر ملاصدرا که مؤسس این مکتب فلسفی است و امام خمینی که یکی از شارحان مبانی صدرائی در عصر اخیر می‌باشد؛ اقدام بایسته‌ای است به پژوهشگران رجمند خانم حوریه عظیمی به سهم خود قدمی در این وادی برداشته‌اند. ضمن برآوردن تلاش ایشان، محصول زحماتشان را با عنوان «حکمت متعالیه از دیدگاه امام خمینی (س)» به جویندگان معارف فلسفی و همه خوانندگان گرامی تقدیم می‌داریم.

مؤلف: عظیم و نشر آثار امام خمینی (س)

دفتر قم

مقدمه مؤلف

پرداختن به ابعاد شایسته امام خمینی (ره) کار بسیار مشکلی است. جامعیت کم نظیر ایشان در علم و عمل، جمع از آن است که فردی بتواند از تمام جوانب ایشان را مورد مطالعه قرار دهد؛ زیرا شایسته است صحیح چنین شخصیتی، برخورداری از همان جامعیت را می‌طلبید.

تا بگویم وصف آن رشک ملک

تنگ آید در بیان آن امین

شیشه دل از ضعیفی بشکند

یک دهان خواهم به پهنای یک

ور دهان یابم چنین و صد چنین

اینقدر هم گر نگویم ای سند

حضرت امام (ره) فلسفه (شرح منظومه) را از محضر آیت الله سید ابوالحسن رفیعی قزوینی فرا گرفته، و سپس از رفتن به درس اسفار ایضا، احساس بی‌نیازی کرده و به مباحثه این کتاب کبیر با مرحوم آقا میرزا خلیل کمره‌ای پرداختن و از سال‌های ۱۳۰۶ ش تا حدود سال ۱۳۳۰ ش به تدریس شرح منظومه و اسفار مشغول بود است.

ایشان در ۲۷ سالگی فیلسوفی کامل و متبحر بود. آثار مکتوب ایشان باده دوران بیانگر این واقعیت است که به عمق فلسفه راه یافته است به طوری که در عنوان جوانی نظرات جدید ارائه کرده است. تبحر در رشته‌های معقول و منقول، مقام علمی این فیلسوف کامل و عارف وارسته را ممتاز ساخته است؛ همانگونه که در فقه و اصول شخصیت برجسته‌ای دارد، در علوم عقلی نیز بسیاری از صاحب‌نظران ایشان را یکه تاز میدان فلسفه و حکمت می‌دانند.

ایشان حاشیه‌ای بر اسفار اربعه نوشته بودند که متأسفانه وقتی ساواک کتابخانه

د □ حکمت متعالیه از دیدگاه امام خمینی (س)

شخصی ایشان را غارت کرد، مفقود شد. اما فلسفه ایشان از چند لحاظ حائز اهمیت است:

۱ - با اینکه دلبسته حکمت صدرایی است، اما خود را در چهارچوب گرایش خاصی محدود نکرده است.

۲ - ایشان زمانی در حوزه علمیه، فلسفه تدریس می کردند که جو علیه فلسفه و عرفان بود، حتی برخی از طلبه ها کتاب مثنوی معنوی را با انبردست بلند می کردند و یا وقتی حاج آقا صدیقی (ره) در خردسالی از کوزه های آب نوشید کوزه را به خاطر اینکه پدر بزرگوارشان فلسفه تدریس می کرد آب کشیدند!

۳ - حضرت امام (ره) هنر ملاصدرا را که در متن کتب فلسفی بود از دل کاغذ به متن جامعه کشید و مکتب اسلام را بر پایه علمی کرد و وجود علمی آن را وجود عینی بخشید و انقلاب اسلامی ایران را حاصل سیر فی الخلق بالحق ایشان بود.

این چنین انسان که نامش می برم من ز وصفش تا قیامت قاصرم

با تمام آنچه در این مجموعه در باب فلسفه حضرت امام (ره) آورده شده که تنها گوشه بسیار ناچیزی از آن است، زمانی که شروع به تحقیق کردم در تهران و قم به اساتیدی برخورد کردم که با وجود آنکه تحصیلات فلسفی داشتند متأسفانه با تعجب می پرسیدند که مگر ایشان آراء فلسفی در خور تحقیق دارند؟

دیده ای خواهم که باشد شه شناس تا شناسد ما را در هر لباس

امید است که این کتاب مقدمات تحقیق در بعد فلسفی حضرت امام (ره) را فراهم آورد. وما توفیقی إلا بالله علیه توکلت و الیه اُنیب.

در اینجا لازم است از بزرگوارانی که در انجام این مهم یاریم کرده اند خصوصاً استاد بزرگوارم جناب آقای دکتر احمد عابدی صمیمانه سپاسگزاری کنم.

[مقدمه استاد حجت الاسلام والمسلمین دکتر احمد عابدی]

فلسفه عالی و فلسفه دانی

علم کلام، فلسفه مشاء، فلسفه اشراق، حکمت متعالیه و عرفان نظری همگی به شناخت حقایق اهتمام داشته‌اند. در نسبت انسان - که همان عقل نظری اوست - را تکمیل کرده تا آماده پرواز به قله‌های بلندی گردد.

هر کدام از این نحله‌ها و مشرب‌ها، مختلف پیروان خاص خود را داشته و در جهت رشد عقلانیت در جامعه نفسی ارزشمند ایفا کرده‌اند. همچنانکه گرایش‌های عرفانی در بسنده نکردن به عقل و متوقف نمودن مردم و نیز در سوق دادن بشر به آنکه همه چیز عقلانی نبوده و بسیاری از معارف بلند و بیات را با نردبان عقل نمی‌توان اصطیاد نمود، جایگاه خاص خود را داشته و به این وسیله در سبب ارتقاء بینش بشر شده‌اند.

اما نکته مهم این است که در موارد اختلاف بین این مشرب‌های مختلف، کدامیک را باید ترجیح داد. حکمت متعالیه «حقیقت هستی» را مشکک و ذات مریضه دانسته، از فرش تا عرش و از پایین‌ترین مرتبه وجود که همان هیولای اولی است تا اقصای وجود که حق متعال باشد همه را با تشکیک مراتب چون نخ تسبیحی به همدیگر پیوند داده و وحدت آنها را رقم زده است و به این وسیله وحدت در کثرت را تبیین می‌کند. اما دیدگاه عرفانی هرگز به تشکیک مراتب و حتی تشکیک خاصی و بلکه اخصی وجود روی خوش نشان نداده و به اختلاف مظاهر و مجالی روی آورده و با این

و □ حکمت متعالیه از دیدگاه امام خمینی (س)

رویکرد به تفسیر هستی می‌پردازد، در کشف و شهود عرفانی هرگز دانه‌های مختلف و پراکنده تسبیح دیده نمی‌شود تا نیازی باشد که با نخ تسبیح حلقه اتصال و پیوند بین آنها ایجاد گردد، شهود عرفانی کثرتی نمی‌بیند تا به دنبال وحدت بگردد، او کثرت را نقش دومین چشم احوال می‌داند و می‌گوید: «هر لحظه بشکلی بت عیار در آمد».

این منظر که خدای تعالی را اول و آخر و ظاهر و باطن می‌بیند، مباحث علیت و معلول و بحث سنخیت بین علت و معلول و ربط حادث به قدیم و ربط متغیر به ثابت و ربط مادی به مجرد و مبحث حقایق متباین مشاء و شبهه این کمونه و... دیگر جولان‌هایی دارند.

اگر کسی رویکرد کلامی داشته باشد کاملاً نگاه او متفاوت خواهد بود. او تباین خالق و مخلوق، گستردگی اثر و مؤثر و مصنوع از صانع و مفعول از فاعل را امری مسلم انگاشته و می‌گوید: «این باب و ربّ الأرباب». او دیگر واژه علیت و یا علت و معلول را بکار نبرده و از نظریه سنخیت و اثر و شاع می‌کند.

بیان تفاوت‌های رویکرد کلامی «امر و اثر» با رویکرد فلسفی «علیت و معلولیت» و با بینش عرفانی «تجلی و متجلی» خود بحثی طولانی می‌طلبد. گرچه افرادی چون خواجه نصیر الدین طوسی خواسته‌اند کلام را به سبب فلسفه آمیخته و نوعی دیدگاه تلفیقی یا التقاطی کلامی - فلسفی پدید آورند. اما روشن است که هر کدام از این روش‌ها آثار و لوازم و پی‌آمدهای خاص خود را دارد.

امام خمینی پرچمدار ایجاد الفت و هماهنگی بین این سه رویکرد است، وی چون فیلسوفی بزرگ و پیرو حکمت متعالیه است، اندیشه تشکیک با او عجیب نشده و در بسیاری از باورهای فکری او حتی در مباحث فقهی و اصولی نیز مسأله تشکیک را می‌توان جستجو نمود. اختلاف کلام و فلسفه و عرفان را امام خمینی با همین زاویه می‌نگرد و معتقد است تفاوت کلام و فلسفه در اختلاف مرتبه فهم و اندیشه متکلمان و فیلسوفان است.

فلسفه عالی و فلسفه دانی □ ز

وی مسأله علیت را مرتبه عالی همان مبحث اثر و مؤثر می‌داند. و به عبارت دیگر در مقایسه بین کلام و فلسفه، فلسفه را مرتبه عالی کلام و کلام را مرتبه دانی فلسفه می‌داند. و در مقایسه بین حکمت مشاء و حکمت متعالیه نیز حکمت مشاء را فلسفه دانی و حکمت متعالیه را فلسفه عالی نام می‌برد. همچنانکه در مسائل حکمت متعالیه نیز از همین سبب‌ها استفاده کرده و علیت و معلولیت را طبق تفسیر رائج، فلسفه دانی دانسته. اما اگر علیت و معلولیت به تشان برگشت داده شود و دیدگاه عرفا اثبات گردد آنرا فلسفه عالی می‌نامند.

بنابراین از تفاسیر عمیق و باطن حکمت متعالیه همان عرفان نظری است و لذا هرگز بین دیدگاه‌های عرفان و تحقیقین از عرفا با حکمت متعالیه و صدر المتألهین تهافت و تخالفی نمی‌بیند. و اختلاف و تب وجود را سرانجام به اختلاف در مجالی و مظاهر و شئون تفسیر کرده و همه را مراتب - نه مراتب - یک حقیقت می‌داند.

با توجه به آنکه امام خمینی فیلسوفی متذلل و متضلع بوده - گرچه جنبه عرفانی او بر گرایش‌های فلسفی‌اش غلبه دارد - و مدتی در حوزه علمیه قم به تدریس شرح منظومه و اسفار اشتغال داشته، اما کمتر اثر فلسفی مکتوب ایشان به جای مانده، جز تقریراتی که به قلم مرحوم آیت الله سید عبدالغنی موسوی اندیشیان است که به همت مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س) نشر یافته است.

محقق فرزانه سرکار خانم عظیمی با تلاشی مجدانه و همتی بلند - انگ‌های مقدس، اندیشه‌های فلسفی امام را از آثار مکتوب ایشان استخراج و بدون داوری و سب و سرفراز و صرفاً با تحلیلی کوتاه تدوین نموده و کتاب حاضر را سامان بخشیده است. امید است این اثر گامی در جهت تحقیق بیشتر بر اندیشه‌های فلسفی حضرت امام باشد.

در اینجا از نویسنده محترم و نیز همه کسانی که در راه احیای آثار و اندیشه‌های آن بزرگ مرد الهی تلاش می‌کنند صمیمانه تشکر می‌کنم.

احمد عابدی